

مؤلفه‌های مداخله دولت در تنظیم‌گری حرفه وکالت؛ مطالعه موردی نظام حقوقی انگلستان

مجتبی اصغریان*، علی بهادری جهرمی**، محمدصادق فراهانی***

چکیده

تأثیر مشاغل حرفه‌ای بر منفعت عمومی جامعه و ورود آن‌ها به حوزه خدمت عمومی، ضرورت مداخله دولت در تنظیم ضوابط حاکم بر عملکرد آن‌ها را دوچندان می‌سازد. پژوهش پیش رو با بهره‌گیری از مطالعات کتابخانه‌ای و اتخاذ رویکردی تحلیلی-توصیفی، در مقام تبیین مؤلفه‌های مداخله دولت در تنظیم‌گری حرفه وکالت به این نتیجه دست یافته است که برخلاف تصور رایج، دولت انگلستان در سه سطح مداخله در ضوابط حاکم بر «ساختار و تشکیلات نهاد وکالت»، «نحوه ورود به حرفه وکالت» و «تصدی حرفه وکالت» به تنظیم رژیم حقوقی حاکم بر نهاد وکالت پرداخته است. مواردی چون «تعیین ماهیت حقوقی کانون»، «نظارت دولتی جامع بر کانون وکلا و حرفه وکالت»، «مقررات‌گذاری در حوزه وکالت»، «الزام گزارش‌دهی کانون وکلا به نهادهای دولتی»، «نظارت بر مصوبات ارکان و اجزای مدیریتی کانون»، «الزام به اعمال شفافیت در عملکرد کانون‌های وکلا»، «تعیین شرایط تصدی وکالت و ظرفیت پذیرش»، «تنظیم اعمال نظارت مردمی بر کانون‌های وکلا»، «تنظیم سازوکار نظارت دولتی بر کانون وکلا»، «تعیین میزان و نحوه اخذ حق الوکاله‌ها»، «تعليق و لغو پروانه وکالت»، «نظارت بر مستخدمین و کارمندان وکیل» و نهایتاً «تنظیم سازوکار همکاری وکلا و غیروکلا» و... نمونه‌هایی از مداخله دولت انگلستان در تنظیم‌گری کانون‌های وکلا در این کشور به شمار می‌آیند.

واژگان کلیدی: تنظیم‌گری، کانون وکلا، مداخله دولت، نظارت، وکالت، نظام حقوقی انگلستان

* استادیار گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
Asgharian@khu.ac.ir

** استادیار گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
a.bahadori.j@modares.ac.ir

*** دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
msfarahani72@ut.ac.ir

مقدمه

مدت‌ها است که اشتغال به حرفه وکالت به‌طور ویژه مورد توجه نظام تقنینی کشورها قرار گرفته و نسبت به آن شرایط و نظامات خاصی در نظر گرفته شده است؛ به‌گونه‌ای که امروزه، این حرفه از حوزه ابتکارات خصوصی اشخاص خارج شده و از آن به‌عنوان یک «خدمت عمومی» یاد می‌شود. بر همین اساس نیز دولت‌ها وظیفه دارند، تدابیر لازم را نسبت به تأمین مطلوب و کارآمد آن اتخاذ نمایند. از همین رهگذر، مفهوم «تنظیم‌گری» دولت نسبت به کانون‌های وکلا به‌منصه ظهور می‌رسد و از طریق سازوکار وضع قوانین و مقررات مربوط و با هدف ارتقای منفعت عمومی و صیانت از حقوق اشخاص اجرایی می‌شود. به عبارتی، مسئولیت دولت در تأمین (و نه لزوماً ارائه) خدمات عمومی، مستلزم طراحی نظام حقوقی متناسب با مسئولیت‌ها و وظایف مرتبط با آن است.

انگلستان به‌عنوان کشوری که در آن وکلا قریب به دویست سال (از ابتدای قرن نوزدهم تا سال ۱۹۷۴) از انحصار انجام خدمات حقوقی برخوردار بودند، نمونه‌ای از نخستین کشورهایی است که پس از سال‌ها مناقشات عمومی، نهایتاً با پذیرش دخالت دولت در تنظیم‌گری این حرفه، موفق به پایان انحصار، کاهش هزینه خدمات، افزایش کیفیت و نهایتاً ارتقای رضایت عمومی از این حرفه شده است (Domberger, 1989: 41-56) و به همین جهت می‌تواند الگوی درخور توجهی را در ترسیم مؤلفه‌های دخالت دولت در تنظیم‌گری حرفه وکالت - به‌خصوص برای کشورهایی که در ابتدای این مسیر هستند - نمایان سازد.

به‌رغم اینکه آثار گوناگونی در رابطه با امر وکالت و زوایای آن به‌نگارش درآمده است، ادبیات داخلی موجود، کمتر به امور ساختاری و نهادی وکالت پرداخته است و اثری که تخصصاً به بررسی مقوله مداخله دولت در تنظیم‌گری کانون‌های وکلا پرداخته باشد به چشم نمی‌خورد. به نظر می‌رسد چنین وضعیتی بیش از هر چیز ناشی از غلبه رویکرد ممنوعیت دخالت دولت در تنظیم‌گری کانون‌های وکلا در ادبیات داخلی باشد.

از این‌رو مسئله و چالش اصلی این نوشتار آن است که مؤلفه‌های مداخله دولت در تنظیم‌گری حرفه وکالت در کشور انگلستان چیست و دولت این کشور با استفاده از چه سازوکارهایی، ارائه مطلوب این خدمت عمومی در جامعه را تضمین و دنبال می‌کند؟

فرضیه نوشتار حاضر آن است که مداخله دولت انگلستان در تنظیم‌گری حرفه وکالت هم تنظیم قواعد مربوط به ساختار وکالت در این کشور (کانون وکلا) را در بر می‌گیرد و هم قواعد مربوط به ضوابط ورود، تصدی و خروج/اخراج از این حرفه را.

نوشتار پیش‌رو پس از تبیین مختصر سیر تاریخی قوانین مربوط به وکالت در انگلستان (بخش

نخست)، مؤلفه‌های دخالت دولت در تنظیم‌گری وکالت در این کشور را در سه قالب مؤلفه‌های دخالت دولت در تنظیم‌گری «ساختار و تشکیلات نهاد وکالت» (بخش دوم)، «نحوه ورود به حرفه وکالت» (بخش سوم) و «تصدی حرفه وکالت» (بخش چهارم) مورد بررسی و کنکاش قرار می‌دهد.

۱. سیر تاریخی قوانین حرفه وکالت در انگلستان

کانون وکلای انگلستان که «جامعه حقوقی انگلستان و ولز»^۱ نامیده می‌شود، تشکلی حرفه‌ای است که نماینده وکلای^۲ در حوزه قضایی انگلستان و ولز به شمار می‌آید و بر وکلا نظارت می‌کند. این نهاد به ارائه خدمات به وکلا و کارآموزان می‌پردازد و از آن‌ها پشتیبانی می‌کند.

پیش از تشکیل این نهاد، در سال ۱۸۲۳ تشکلی به نام «مؤسسه حقوقی لندن»^۳ و با گردهمایی تعدادی از وکلای این شهر تشکیل شده بود. در سال ۱۸۲۵ کلمه «لندن» از عنوان این مؤسسه حذف گردید؛ اما این مؤسسه، در ۲ ژوئن همان سال، جای خود را به «جامعه حقوقی» داد. اولین اساسنامه این نهاد در سال ۱۸۳۱ تصویب شد.^۴ اساسنامه جدید کانون وکلا (جامعه حقوقی) در سال ۱۸۴۵ تنظیم شد و از کانون وکلا به‌عنوان یک نهاد خصوصی و مستقل که به ارائه خدمات به صنف وکلا می‌پردازد یاد کرد. در سال ۱۹۰۳ نام این جامعه به اختصار و همان «جامعه حقوقی»^۵ تعیین شد.^۶ در سال ۱۸۳۴، کانون وکلا برای نخستین بار، تعقیب وکلای دارای سوءرفتار حرفه‌ای را به جریان انداخت. در سال ۱۹۰۷، این کانون برای اولین بار یک کمیته انضباطی^۷ را تشکیل داد که اختیار بررسی حساب‌های وکلا را داشت و می‌توانست پروانه وکالت وکلا را به‌صورت سالانه تمدید نماید. پس از آن و در سال ۱۹۸۳، این کانون، اداره نظارت بر وکلا^۸ را تأسیس نمود تا به شکایات علیه وکلا

1. Law Society of England and Wales

2. Solicitors

3. The London Law Institution

۴. عنوان انگلیسی این اساسنامه از قرار ذیل بوده است:

The Society of Attorneys, Solicitors, Proctors and others not being Barristers, practicing in the Courts of Law and Equity of the United Kingdom

5. The Law Society

۶. بانوان برای نخستین بار در سال ۱۹۲۲ توانستند به عضویت این جامعه درآیند. البته در سال ۲۰۱۳ نیز انجمن وکلای زن (Association of Women Solicitors) که یک نهاد ملی نماینده وکلای زن در انگلستان بود با «جامعه حقوقی» ادغام گردید و دپارتمان وکلای زن این جامعه را تشکیل داد. اگرچه پس از ادغام نیز، دپارتمان وکلای زن، مستقل از «جامعه حقوقی» عمل می‌کند. برای مطالعه راجع به وضعیت بازار خدمات حقوقی در انگلستان در نیمه اول قرن بیستم، مراجعه کنید به: (Gower & Price, 1957, 817-846)

7. Disciplinary Committee

8. Office for the Supervision of Solicitors

رسیدگی کند. هم اکنون، شکایات از رفتار وکلا در یک رکن نظارتی به نام «مرجع تنظیم وکلا»^۱ رسیدگی می‌شود. البته شکایات راجع به خدمات بی‌کیفیت وکلا به دفتر آلودزمان حقوقی^۲ ارجاع می‌شود. مرجع تنظیم وکلا یکی از ارکان کانون وکلا است که وظیفه وضع مقررات و اجرای آن را بر عهده دارد و از حیث عملکردی مستقل از جامعه حقوقی عمل می‌کند. این مرجع تحت نظارت هیئت خدمات حقوقی^۳ قرار دارد که یک مرجع دولتی است.

شایان ذکر است که کانون وکلای انگلستان دارای یک شورا^۴ است که به‌عنوان هیئت مدیره این کانون عمل می‌کند. وظایف اعضای این شورا عبارت‌اند از: حضور در جلسات و تصمیم‌گیری راجع به استراتژی و خط‌مشی‌های کانون، نمایندگی از وکلا در دولت و نهادهای عمومی، تنظیم طرح‌های تجاری و بودجه، حمایت از منافع تمامی وکلا، ایجاد ارتباط میان کانون‌های وکلای محلی، ایجاد ارتباط با سازمان‌های خارجی، تأیید انتصابات در کمیته‌های شورا و انتخاب رئیس شورا. جلسات شورا به‌طور متوسط پنج بار در سال برگزار می‌شود. مجمع عمومی کانون وکلا هر سال در ماه جولای برگزار می‌شود.^۵

انتخابات شورا هر چهارسال برگزار می‌شود و اعضای شورا برای دوره‌های چهارساله انتخاب می‌شود. یک مجموعه قواعد رفتاری راجع به اعضای شورا نیز وجود دارد که اعضا مکلف به رعایت آن هستند. این قواعد راجع به تعارض منافع، رعایت کرامت، و ارتباط میان اعضا و کارمندان شورا است. برای عضویت در شورا، افرادی می‌توانند کاندید شوند که قبلاً به‌موجب رأی دادگاه یا حکم دادگاه انتظامی کانون وکلا از شرکت در انتخابات منع نشده باشند.

نظام حقوقی انگلستان یکی از توسعه‌یافته‌ترین نظام‌های حقوقی در بین کشورهای دنیا است. در این کشور، به‌دلیل نقص‌ها و ایراداتی که راجع به ساختار حرفه وکالت و عملکرد برخی وکلا وجود داشت که عمدتاً ناشی از کمبودهای قانون وکلای مصوب ۱۹۷۴ بود (Bowles, 1994: 19-25)، قانون‌گذار تصمیم گرفت تا قانونی را در سال ۲۰۰۷ تحت عنوان «قانون خدمات حقوقی» تصویب نماید تا منافع عمومی و حقوق مصرف‌کننده در این صنف بیشتر مورد توجه و رعایت قرار گیرد. در این نوشتار قصد داریم تا مشخص کنیم که متولیان امر در نظام حقوقی انگلستان، نهاد وکالت را

1. Solicitors Regulation Authority (SRA)

2. Legal Ombudsman

3. Legal Services Board (LSB)

4. Council

۵. در خصوص تشکیل کانون‌های وکلای متفاوت در انگلستان و لزوم ادغام آنها مراجعه کنید به: (Cohen, 1990: 7-27)

چگونه ساماندهی کرده‌اند. اما پیش از آن باید توضیح مختصری راجع به دو قانون کلیدی و تأثیرگذار یعنی قانون وکلای ۱۹۷۴ و قانون خدمات حقوقی ۲۰۰۷ ارائه کنیم.

۱-۱. معرفی قانون وکلای ۱۹۷۴

نسخه جدید قانون وکلا در سال ۱۹۷۴ و در پارلمان انگلستان به تصویب رسید. این قانون ضوابط و مسئولیت‌های وکلا را مطرح کرده؛ به مؤسساتی که این وکلا برای آن‌ها کار می‌کنند پرداخته و همچنین شرایط دریافت پروانه وکالت متقاضیان را تشریح کرده است. اختیارات مرجع تنظیم وکلا نیز در همین قانون ذکر شده است.

این قانون که دارای ۹۰ ماده و ۴ ضمیمه می‌باشد، با قوانین بعدی اصلاح گردید. قوانین بعدی عبارتند از قانون خدمات حقوقی ۲۰۰۷، قانون محاکم و خدمات حقوقی ۱۹۹۰، قانون دیوان‌ها، محاکم و اجرا ۲۰۰۷، قانون ورشکستگی ۲۰۱۶، قانون محاکم ماجیستری ۱۹۸۰، قانون اداره دادگستری ۱۹۸۵.

۱-۲. معرفی قانون خدمات حقوقی ۲۰۰۷

در سال ۲۰۰۱، «ادار تجارت عادلانه»^۸ انگلستان، گزارشی منتشر و توصیه نمود که قواعد حاکم بر حرفه‌های حقوقی باید تابع حقوق رقابت باشند و محدودیت‌های ناعادلانه رقابتی در این حرفه‌ها باید رفع شوند.^۹ متعاقب این گزارش، دولت مشورت‌هایی را انجام و گزارشی راجع به رقابت و تنظیم بازار خدمات حقوقی منتشر کرد.^{۱۰} در سال ۲۰۰۳ «سر دیوید کلمنتی»^{۱۱} از سوی دولت منصوب شد تا تحقیقات مستقلی راجع به قواعد و مقررات خدمات حقوقی انجام دهد. وی در بررسی‌های خود به این نتیجه دست یافت که بسیاری از حوزه‌های خدمات حقوقی «غیر منعطف، قدیمی و بیش از اندازه پیچیده» بوده و نیازمند اصلاح و تجدیدساختار است. دیوید کلمنتی محورهای اصلی

1. Solicitors Act 1974
2. Legal Services Act 2007
3. Courts and Legal Services Act 1990
4. The Tribunals, Courts and Enforcement Act 2007
5. The Insolvency (England and Wales) Rules 2016
6. Magistrates Courts Act 1980
7. The Administration of Justice Act 1985
8. Office of Fair Trading (OFT)
9. Office of Fair Trading, 2001, Competition in the Professions – A Report by the Director General of Fair Trading
10. Department for Constitutional Affairs, 2003, Competition and Regulation in the Legal Services Market – A Report Following the Consultation “In the Public Interest?”
11. Sir David Clementi

وی هم در گذشته قائم مقام بانک مرکزی انگلستان بوده است.

نگرانی را سه مورد می‌دانست: ساختار قانونی و چهارچوب نظارتی؛ نحوه رسیدگی به شکایات، و ماهیت محدودیت‌زای ساختارهای تجاری حقوقی.^۱ در سال ۲۰۰۵، دولت گزارش را منتشر و برنامه خود برای ایجاد اصلاحات در نظام ارائه خدمات حقوقی ارائه کرد. این برنامه حاوی یک چهارچوب قانونی و نظارتی جدید بود تا نقایص موجود را بر طرف کند.^۲ این چهارچوب در ماه می سال ۲۰۰۶ در قالب یک پیش‌نویس تهیه و پس از بررسی در کمیته مشترک هر دو مجلس، تحت عنوان «قانون خدمات حقوقی» - که از این پس «قانون» نامیده می‌شود - در سال ۲۰۰۷ به تصویب رسید. این قانون دارای ۲۱۴ ماده و ۲۴ ضمیمه است و قانون مفصل و جامعی محسوب می‌شود. دامنه شمول سرزمینی این قانون محدود به کشورهای انگلستان و ولز است.^۳ این قانون نظارت بر حرفه‌های حقوقی از جمله وکالت را به‌طور متمرکز در اختیار یک رکن عالی دولتی قرار داده و سازوکارهای نظارتی دیگری را نیز راه‌اندازی نموده تا هدف غایی خدمات حقوقی از جمله وکالت که همانا حمایت از ارزش‌های اجتماعی است به‌نحو مناسب تری محقق شود (Harris, 2006: 420-444). این موارد در ادامه مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

۲. مؤلفه‌های دخالت دولت در تنظیم‌گری ساختار و تشکیلات وکالت

مؤلفه‌های دخالت دولت در تنظیم‌گری ساختار، تشکیلات و مصوبات «جامعه حقوقی» انگلستان واجد ابعاد مختلفی است که از آن جمله می‌توان به «تعیین ماهیت حقوقی کانون و تبعاً استقلال مالی و سازمانی آن»، «نظارت دولتی جامع بر کانون وکلا و حرفه وکالت»، «مقررات‌گذاری در حوزه وکالت»، «گزارش‌دهی کانون وکلا به نهادهای دولتی»، «تجدیدنظر از تصمیمات کانون وکلا و نظارت بر مصوبات ارکان و اجزای مدیریتی آن» و «الزام به اعمال شفافیت در عملکرد کانون‌های وکلا» اشاره کرد. در ادامه به تبیین و بررسی هر یک از آن‌ها می‌پردازیم.

۲-۱. تعیین ماهیت حقوقی کانون و تبعاً استقلال مالی و سازمانی آن

همان‌طور که در بخش نخست اشاره شد، کانون وکلای انگلستان به‌عنوان یک نهاد صنفی مستقل تشکیل و تأسیس شد. به مرور زمان تشکیلات سازمانی این نهاد توسعه پیدا کرد و استقلال مالی و سازمانی خود را نیز در عین حال حفظ نمود. اما با توسعه بازار خدمات حقوقی، حرفه وکالت نیز به‌عنوان یک کسب‌وکار شناسایی شد و به‌دلیل حمایت از حقوق مصرف‌کننده و منافع جامعه و

۱. برای مطالعه گزارش سر دیوید کلمنتی، نک: (Clementi, 2004)

۲. برای مطالعه این گزارش، نک: (Department for Constitutional Affairs, 2003)

۳. به استثنای مواد ۱۹۵ و ۱۹۶ (۱) و ضمیمه شماره ۲۰ که به کشور اسکاتلند مربوط می‌گردد و اصلاحات جزئی که مربوط به اسکاتلند و ایرلند شمالی است.

تنظیم بازار حقوقی، به تدریج دولت، نظارت خود را بر این نهاد افزایش داد. این نظارت‌ها که تفصیل آن در قانون خدمات حقوقی ۲۰۰۷ پیش‌بینی شده است و برخی موارد آن در ادامه بیان خواهد شد، به اندازه‌ای است که دولت بر تمامی جنبه‌های کارکرد کانون وکلای انگلستان نظارت عمیق دارد و هرگونه تخلف از نظامات و مقررات وضع شده توسط دولت، می‌تواند ضمانت‌اجراهای سنگینی از قبیل، لغو پروانه فعالیت کانون وکلای متخلف را در پی داشته باشد.^۱

لازم به ذکر است که کانون وکلای انگلستان کارکرد نمایندگی و تنظیمی خود را تفکیک نموده است. کارکرد نمایندگی^۲ در اختیار «جامعه حقوقی»^۳ و کارکرد تنظیمی^۴ بر عهده «مرجع تنظیم وکلا»^۵ قرار دارد. مرجع تنظیم وکلا در واقع یک رکن نظارتی است که زیر نظر «هیأت خدمات حقوقی»^۶ فعالیت می‌کند و به آن گزارش می‌دهد. هیئت خدمات حقوقی یک نهاد دولتی است که زیر نظر مستشار عالی دولت^۷ فعالیت می‌کند.

۲-۲. نظارت دولتی جامع بر کانون وکلا و حرفه وکالت

«هیأت خدمات حقوقی» - که از این پس هیئت نامیده می‌شود - یک نهاد دولتی است که تحت حمایت وزارت دادگستری انگلستان قرار دارد. به موجب موافقت‌نامه‌ای که تحت عنوان «سند چهارچوب هیئت خدمات حقوقی» میان وزارت دادگستری و هیئت خدمات حقوقی به امضا رسیده است، هیئت خدمات حقوقی موظف است برنامه‌های خود را به نحوی تنظیم نماید که در راستای پیشبرد اهداف کلی وزارت دادگستری باشد و در مقابل این وزارتخانه پاسخ‌گو باشد. در مقابل، وزارت دادگستری از فعالیت‌های این هیئت حمایت‌های قانونی به عمل می‌آورد. به‌عنوان مثال، وزارت دادگستری شرایطی را وضع کرده که بر اساس آن، هیئت‌های خدمات حقوقی می‌توانند از کمک‌های عمومی (Public Grants) استفاده نمایند.

با این حال، فعالیت‌ها و تصمیم‌گیری‌های هیئت مستقل است. هزینه‌های این هیئت توسط دریافت عوارض از کانون‌های وکلا تأمین می‌گردد. ارتباط میان این هیئت و وزارت دادگستری در یک

۱. برای مثال نگاه کنید به ماده ۱۰۱ قانون خدمات حقوقی ۲۰۰۷.

۲. کارکرد نمایندگی بدین معنا است که «جامعه حقوقی» نهادی است که نماینده صنف وکلا در جامعه محسوب می‌شود.

3. Law Society

۴. کارکرد تنظیمی یعنی «مرجع تنظیم وکلا» رکنی است که نماینده صنف وکلا نیست بلکه از طرف هیات خدمات حقوقی وظیفه نظارت بر «جامعه حقوقی» را بر عهده دارد.

5. Solicitors Regulation Authority (SRA)

6. Legal Services Board (LSB)

7. Lord Chancellor

«سند چهارچوب»^۱ تنظیم شده که توسط وزارت دادگستری منتشر شده است.

ماده ۱ قانون ۲۰۰۷ هشت هدف را پیش‌بینی نموده است که باید مورد توجه هیئت خدمات حقوقی، کانون‌های وکلا و اداره رسیدگی به شکایت‌های حقوقی قرار گیرد. این هشت هدف عبارتند از: (۱) حمایت از منافع عمومی و ارتقای آن؛ (۲) حمایت از اصل حاکمیت قانون؛ (۳) تسهیل دسترسی به وکیل و دادگستری؛ (۴) حمایت از منافع مصرف‌کنندگان خدمات حقوقی؛ (۵) افزایش رقابت در ارائه خدمات حقوقی و انحصارزدایی؛ (۶) ارتقای ویژگی‌های استقلال، تنوع و مؤثر بودن در حرفه‌های حقوقی؛ (۷) افزایش درک عامه از حقوق و تکالیف حقوقی شهروندان؛ و (۸) رعایت اصول حرفه‌ای.

هیأت خدمات حقوقی بالاترین مرجع نظارتی است و بر فعالیت‌های تمامی حرفه‌های حقوقی از جمله کانون‌های وکلا نظارت می‌کند تا اطمینان حاصل شود که اصناف حقوقی وظایف خود را به درستی انجام می‌دهند.^۲ طبق ضمیمه شماره ۱، تمامی اعضای این هیئت توسط «مستشار عالی دولت»^۳ و پس از مشورت با رئیس قوه قضائیه^۴ منصوب می‌شوند. به هر روی، این هیئت از حیث فعالیت و تصمیم‌گیری مستقل است و نهادی که اعضای هیئت را منصوب می‌کند حق دخالت در فعالیت‌ها و تصمیم‌گیری‌های آن را ندارد.

نکته جالب آنکه رئیس و اکثریت اعضای این هیئت نباید وکیل باشند. مستشار عالی از حق عزل اعضای این هیئت نیز (پس از مشورت با رئیس قوه قضائیه) برخوردار است. هیئت در مقابل مجلس پاسخ‌گو است و باید گزارش سالانه عملکرد خود را به مجلس ارائه نماید.

طبق بخش چهارم قانون، این هیئت حوزه صلاحیتی هر یک از کانون‌های وکلا و سایر اصناف حقوقی موضوع این قانون را مشخص می‌سازد. هیئت مشخص می‌کند که شرایط دریافت پروانه وکالت چیست؛ افرادی که تظاهر به وکالت می‌کنند با چه مجازات‌های کیفری روبه‌رو خواهند بود؛ کانون‌های وکلا چه مبالغی را می‌توانند از وکلای عضو خود دریافت نمایند؛ قواعد رفتاری و

1. LSB Framework Document

۲. البته حوزه صلاحیت هیأت خدمات حقوقی محدود به کانون‌های وکلا نیست و موارد دیگری مانند قانون‌گذاری و نظارت بر خدمات دفترخانه‌ای (Notarial Services) را در بر می‌گیرد.

۳. مستشار عالی دولت که Lord Chancellor نامیده می‌شود بالاترین مقام دولتی در بریتانیا (حتی بالاتر از نخست وزیر) است. وی عضو کابینه دولت بوده و به موجب قانون، مسئولیت نظارت بر عملکرد و استقلال دادگاه‌ها را بر عهده دارد.

4. Lord Chief Justice

انضباطی کانون‌های وکلا باید چگونه باشد؛ اهداف عملکردی برای کانون‌های وکلا در نظر گیرد؛ روابط کانون‌های وکلا با یکدیگر را تنظیم و اختلافات آن‌ها را حل می‌نماید. همچنین هیئت می‌تواند برای آموزش و تربیت وکلا موازینی را مشخص نماید. علاوه بر این، هیئت می‌تواند از کانون‌های وکلا بخواهد که قواعد و مقررات نامناسب خود را تغییر دهند. کانون‌های وکلا مکلف هستند به درخواست هیئت، کلیه اطلاعات و اسناد لازم را در آن اختیار آن مرجع قرار دهند. در مجموع، هیئت باید نظارت نماید که کانون‌های وکلا اهداف هشت‌گانه مندرج در ماده ۱ قانون را رعایت نمایند.^۱

۲-۳. مقررات‌گذاری در حوزه وکالت

مقررات‌گذاری در حوزه وکالت در اختیار دو نهاد مختلف قرار دارد. به موجب قانون خدمات حقوقی ۲۰۰۷، هیئت خدمات حقوقی که یک نهاد دولتی است از اختیار قانون‌گذاری برای کلیه نهادهای ارائه‌دهنده خدمات حقوقی از جمله کانون‌های وکلا برخوردار است. علاوه بر این، به موجب قانون وکلا مصوب ۱۹۷۴، خود کانون وکلا نیز اختیار وضع مقررات برای امورات راجع به وکالت را دارد. به عنوان مثال، کانون وکلا می‌تواند مقرراتی راجع به عملکرد حرفه‌ای، رفتار، تناسب برای وکالت و نظم و انضباط وکلا وضع کند.^۲ بدیهی است هیئت خدمات حقوقی^۳ که یک نهاد دولتی است بر وضع مقررات توسط کانون نظارت می‌کند. بنابراین، کانون وکلا در وضع مقررات راجع به حرفه وکالت از اختیار مطلق برخوردار نیست.

۲-۴. گزارش‌دهی کانون وکلا به نهادهای دولتی

به موجب قانون خدمات حقوقی ۲۰۰۷، این الزام قانونی وجود دارد که گزارش‌های متعددی از سوی کانون‌های وکلا به هیئت خدمات حقوقی ارسال شود. این تکلیف در کانون وکلا بر عهده «مرجع تنظیم وکلا» قرار دارد که گزارش سالانه به هیئت خدمات حقوقی ارسال می‌کند. علاوه بر این، آمبودزمان نیز هرگونه تخلفات کانون وکلا را به هیئت خدمات حقوقی ارسال می‌کند تا رسیدگی و نتایج آن منتشر شود.^۴

۱. برای مطالعه راجع به تأثیر سیستم نظارتی انگلستان بر نظارت‌های نظام حقوقی استرالیا نسبت به وکلای استرالیا، مراجعه کنید به منبع ذیل که رساله دکتری آقای مایکل مک نامارا در دانشگاه گریفیث استرالیا بوده است: (McNamara, 2018)

۲. ماده ۳۱ قانون وکالت ۱۹۷۴

3. Legal Services Board (LSB)

۴. به عنوان مثال، مواد ۱۱۰، ۱۱۸، ۱۲۰، ۱۲۳ و ۱۲۴ از قانون خدمات حقوقی ۲۰۰۷

۵-۲. تجدیدنظر از تصمیمات کانون وکلا و نظارت بر مصوبات ارکان و اجزای مدیریتی کانون تصمیمات و مصوبات کانون وکلا و یا ارکان آن همواره قابل اعتراض در سایر مراجع می‌باشد. اگر تصمیمات و مصوبات راجع به شخص وکیل باشند، وی می‌تواند در برخی موارد به دادگاه انتظامی وکلا، و می‌تواند در تمامی موارد به محاکم عمومی (دادگاه عالی) مراجعه نماید. اما اگر تصمیمات و مصوبات کانون یا ارکان آن جنبه کلی و عمومی (مربوط به همه وکلا) داشته باشد این مصوبات و تصمیمات قابل بررسی در هیئت خدمات حقوقی است و هیئت خدمات حقوقی از اختیار ابطال این مصوبات و تصمیمات برخوردار است.

۶-۲. الزام به اعمال شفافیت در عملکرد کانون‌های وکلا

شفافیت در عملکرد کانون وکلای انگلستان از آنجا ناشی می‌شود که در موارد متعددی قانون‌گذار در قانون وکلای ۱۹۷۴، کانون را ملزم نموده تا تصمیمات خود را منتشر نماید. علاوه بر این، گزارش‌هایی که کانون وکلا برای هیئت خدمات حقوقی ارسال می‌کند باید حاوی ارائه اطلاعات شفاف در خصوص عملکرد کانون‌های وکلا باشد.

۳. مؤلفه‌های دخالت دولت در تنظیم‌گری نحوه ورود به حرفه وکالت

دخالت دولت در مرحله ورود به حرفه وکالت در انگلستان با تعیین مواردی چون «تعیین شرایط تصدی وکالت»، «ظرفیت پذیرش»، «دخالت در کارآموزی وکلا» و «دخالت در اسامی مندرج در فهرست وکلا» تحقق می‌یابد که در ادامه نوشتار به بررسی هر یک خواهیم پرداخت.

۱-۳. تعیین شرایط تصدی وکالت

طبق مقررات انگلستان، هیچ شخصی نمی‌تواند به‌عنوان وکیل عمل کند مگر آنکه اولاً به‌عنوان وکیل پذیرفته شده باشد، ثانیاً نام وی در فهرست وکلا درج شده باشد و ثالثاً شخص مزبور دارای یک گواهی باشد که از سوی کانون وکلا صادر شده و طی آن معجز به وی اجازه وکالت داده شده باشد.^۱ هیچ شخصی به‌عنوان وکیل پذیرفته نمی‌شود مگر آنکه از کانون وکلا، گواهی^۲ برای وی صادر شده باشد که نشان دهد فرد مزبور مقررات آموزشی را رعایت کرده و شخصیت^۳ مناسبی برای وکالت دارد. شخص دریافت‌کننده این گواهی می‌تواند درخواست کند که نام وی وارد فهرست وکلای فعال شود.^۴ در عمل برای ورود به حرفه وکالت اشخاص باید یا دارای مدرک کارشناسی حقوق باشند یا

۱. ماده ۱ قانون وکالت ۱۹۷۴

2. Practicing certificate

3. Character

۴. ماده ۳ قانون وکالت ۱۹۷۴

دوره‌های یک‌ساله آموزش حقوقی^۱ را طی نمایند (Finch & Fafinsky, 2017: 84). پس از موفقیت در این دوره آموزشی، افراد باید یک دوره کارآموزی را به مدت دو سال طی نمایند و پس از طی دوره کارآموزی می‌توانند گواهی فوق‌الذکر (که معادل پروانه وکالت است) را دریافت کنند. لازم به ذکر است که جهت ورود به حرفه وکالت، ظرفیت مشخصی وجود ندارد و هر تعداد افراد علاقه‌مند که توانایی گذراندن دوره‌های علمی و عملی را داشته باشند به این حرفه وارد خواهند شد. افراد پس از دریافت پروانه وکالت، بعد از گذراندن دوره‌های تخصصی می‌توانند پروانه وکالت تخصصی دریافت کنند. وکلای تخصصی افرادی هستند که معمولاً وکالت در دادگاه‌های تجدیدنظر و دیوان عالی را بر عهده می‌گیرند. ارجاع پرونده به وکلای تخصصی باید صرفاً از طریق وکلای عادی باشد. همچنین، وکلایی که چندین سال سابقه حرفه‌ای در وکالت داشته و خدمات حقوقی شایانی به نظام حقوقی انگلستان ارائه داده باشند، ممکن است از سوی ملکه یا پادشاه انگلستان (حسب مورد) به درجه وکیل ملکه^۲ یا وکیل پادشاه^۳ نائل گردند. این درجه یک مقام افتخاری بوده و تفاوتی از حیث صلاحیت‌های وکلا ایجاد نمی‌کند. علی‌ای حال، برخی از نویسندگان خواستار اصلاح نظام پذیرش وکلا شده‌اند، به‌نحوی که سازوکار جذب افراد با عدالت بیشتری همراه باشد (Sommerland, 2010: 65-66).

۲-۳. آموزش و تربیت وکلا

برای نخستین بار، قانون وکلای ۱۸۶۰ این امکان را فراهم ساخت که نظام آزمون وکالت یک نظام سه‌مرحله‌ای باشد. در سال ۱۹۰۳، کانون وکلا یک مدرسه حقوقی را تأسیس نمود که پس از مدتی به یک دانشکده حقوق^۴ مستقل تبدیل شد. مأموریت این دانشکده حقوق اجرای مفاد ماده ۲ قانون وکالت ۱۹۷۴ است. طبق این ماده، کانون وکلا باید مقرراتی را راجع به آموزش و تربیت اشخاصی که قصد ورود به حرفه وکالت دارند را وضع نماید. این مقررات باید به موارد ذیل پردازد: (۱) آموزش و تربیت داوطلبان وکالت، (۲) آموزش و تربیت افرادی که به‌عنوان وکیل پذیرفته شده‌اند، (۳) آزمون‌ها و سایر سنجش‌هایی که اشخاص متقاضی وکالت و همچنین اشخاص پذیرفته شده باید بگذرانند، (۴) صلاحیت‌ها و تکالیف و مسئولیت‌های متقابل اشخاص مدرسین و مربیان دوره‌های آموزشی و (۵) شرایط اختتام دوره‌ها. همچنین این مقررات می‌تواند حاوی قواعدی راجع

1. Legal Practice Course
2. Queen's Counsel (QC)
3. King's Counsel (KC)
4. College of Law

به نحوه دریافت هزینه از سوی کانون وکلا باشد.^۱

۳-۳. دخالت در اسامی مندرج در فهرست وکلا

کانون وکلا فهرستی^۲ از وکلا را تهیه و نگهداری می‌کند.^۳ دو دسته از افراد با پرداخت هزینه‌های مربوطه می‌توانند درخواست کنند که نامشان در فهرست وکلا وارد شود. (۱) افرادی که گواهی پذیرش در حرفه وکالت را اخذ کرده باشند، (۲) افرادی که نامشان قبلاً حذف شده بود و درخواست دارند که مجدد وارد فهرست شوند.^۴ تصمیمات کانون وکلا در مورد عدم درج نام متقاضیان در فهرست وکلا و همچنین راجع به میزان هزینه‌هایی که کانون وکلا از شخص متقاضی مطالبه می‌کند و یا شروطی که کانون وکلا برای پذیرش شخص متقاضی عنوان می‌کند، قابل اعتراض در دادگاه عالی^۵ است. تصمیم این دادگاه قطعی و غیرقابل تجدیدنظرخواهی خواهد بود.^۶ ممنوعیت از وکالت به‌عنوان محرومیت از حقوق اجتماعی می‌تواند یکی از جهاتی باشد که کانون وکلا از درج نام یک فرد در فهرست وکلا خودداری کند. همچنین، کانون وکلا می‌تواند برای درج نام افراد دارنده گواهی در فهرست وکلا، شروط خاصی را مقرر کند (به‌عنوان مثال، گذراندن دوره‌های علمی خاص).^۷ دادگاه عالی می‌تواند هر تصمیمی که مناسب می‌داند را اتخاذ کند^۸ و در این باره از اختیارات گسترده‌ای برخوردار است.^۹

طبق ماده ۱۱ قانون وکالت ۱۹۷۴، هزینه‌های صدور گواهی وکالت توسط خود کانون وکلا تعیین می‌شود. ممکن است برای متقاضیان مختلف تعرفه‌های متفاوتی تعیین شود. درخواست متقاضیان وکالت باید همراه با گزارش یک حسابدار مبنی بر وضعیت مالی آن‌ها باشد. در غیر این صورت کانون وکلا برای صدور گواهی هزینه بیشتری را از شخص متقاضی دریافت خواهد کرد. کانون وکلا می‌تواند حتی برای وکلایی که گواهی آن‌ها معتبر بوده و مشغول حرفه وکالت هستند نیز شرط خاصی تعیین کند و در صورت عدم تحقق آن شرط، مانع وکالت وکیل شود.^{۱۰}

۱. ماده ۲ قانون وکالت ۱۹۷۴

برای مطالعه بیشتر راجع به آموزش وکلا در نظام حقوقی انگلستان، نک: (Slapper & Kelly, 2017, 661-664)

2. The roll

۳. ماده ۶ قانون وکالت ۱۹۷۴

۴. ماده ۷ قانون وکالت ۱۹۷۴

5. High Court

۶. ماده ۸ قانون وکالت ۱۹۷۴

۷. ماده ۱۰ قانون وکالت ۱۹۷۴

8. Such order as the High Court thinks fit

۹. بند ۴ ماده ۱۳ قانون وکالت ۱۹۷۴

۱۰. ماده ۱۳ مکرر قانون وکالت ۱۹۷۴

۴. مؤلفه‌های دخالت دولت در تنظیم‌گری تصدی حرفه وکالت

مؤلفه‌های دخالت دولت در تنظیم‌گری تصدی حرفه وکالت واجد ابعاد مختلفی است که از آن جمله می‌توان به «ایجاد دادگاه‌های انتظامی وکلا و رسیدگی به تخلفات آن‌ها»، «تنظیم اعمال نظارت مردمی بر کانون‌های وکلا»، «تنظیم سازوکار نظارت دولتی بر کانون وکلا»، «برگزاری دوره‌های آموزشی وکلا»، «تعیین میزان و نحوه اخذ حق الوکاله‌ها»، «تعلیق و لغو پروانه وکالت»، «منع وکالت از سوی اشخاص فاقد صلاحیت»، «نظارت بر مستخدمین و کارمندان وکیل» و «تعیین ضوابط همکاری وکلا و غیروکلا» اشاره کرد. در ادامه به بررسی هر یک از مؤلفه‌های یادشده خواهیم پرداخت.

۴-۱. ایجاد دادگاه‌های انتظامی وکلا و رسیدگی به تخلفات آن‌ها

به موجب مواد ۱۷۸ به بعد قانون خدمات حقوقی ۲۰۰۷، یک دادگاه انتظامی وکلا تشکیل می‌شود که از حیث قانونی مستقل از کانون‌های وکلا است، اما وظایفی را انجام می‌دهد که در محدوده نظارتی کانون‌های وکلا قرار دارند. هیئت خدمات حقوقی بر عملکرد این دادگاه نظارت محدودی دارد. مستشار عالی می‌تواند در وظایف این دادگاه تغییراتی را ایجاد کند.

دادگاه انتظامی وکلا متشکل از دو دسته اعضا است. گروه اول وکلایی هستند که حداقل ده سال سابقه دارند. گروه دوم افرادی هستند که وکیل نیستند و از آن‌ها به‌عنوان اعضای غیرحقوقی^۱ یاد می‌شود. قواعد و مقررات داخلی این دادگاه و بودجه سالانه آن باید به تأیید هیئت خدمات حقوقی برسد. هیئت خدمات حقوقی بر عملکرد این دادگاه نظارت می‌کند.^۲

دادگاه انتظامی از صلاحیت‌های زیر برخوردار است: حذف نام یک وکیل از فهرست وکلا، الزام وکیل به پاسخ‌گویی راجع به اتهامات خود، تعلیق وکلا، خاتمه بخشیدن به تعلیق، تحقیق راجع به عملکرد وکلایی که در گذشته نامشان از فهرست وکلا حذف شده است، وضع جریمه برای وکلا، درج مجدد نام وکیل در فهرست وکلا، پرداخت جریمه به صندوق دولت. تصمیمات دادگاه انتظامی قابل اعتراض در دادگاه عالی است. تصمیمات دادگاه عالی قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر^۳ است، مگر در مواردی که در قانون وکالت ۱۹۷۴ تصریح شده باشد که تصمیم دادگاه عالی قطعی و نهایی است.^۴ کانون وکلا می‌تواند از وکیل یا کارمندان وی یا مؤسسات حقوقی بخواهد که اسناد و مدارک خاصی که مرتبط با یک پرونده حقوقی است را نزد کانون وکلا افشا نمایند. چنین امری زمانی رخ

1. Lay members

۲. ماده ۴۶ قانون وکالت ۱۹۷۴

3. Court of Appeal

۴. ماده ۵۰ قانون وکالت ۱۹۷۴

می‌دهد که کانون وکلا معتقد باشد یک سوءرفتار حرفه‌ای توسط وکیل یا مستخدمین وی صورت گرفته باشد.^۱ دادگاه عالی نیز می‌تواند به درخواست کانون، هر وکیلی را ملزم نماید که اسناد و مدارک مذکور را ارائه نماید. هدف از اخذ این اسناد و مدارک، نظارت بر فعالیت وکلا است. کانون وکلا می‌تواند هزینه‌های متحمل‌ه در راستای این تحقیقات و بازرسی‌ها را از وکیل اخذ نماید.

در صورتی که تخلفی از سوی وکیل یا مستخدمین وی حادث شود، ضمانت‌اجراها از این قرار هستند. توبیخ و درج در پرونده، پرداخت جریمه به مبلغ ۲۰۰۰ پوند، تعلیق پروانه وکالت و ابطال پروانه وکالت. مستشار عالی دولت می‌تواند مبلغ جریمه نقدی را تغییر دهد. در مواردی که نظم عمومی نیز درگیر است، کانون وکلا از این اختیار برخوردار است که اقدامات اتخاذی خود در مورد تخلف وکیل یا مستخدمین وی را منتشر نماید. وکیل می‌تواند از تصمیم کانون وکلا نزد دادگاه انتظامی اعتراض کند و تصمیم دادگاه انتظامی نیز در دادگاه عالی قابل تجدیدنظرخواهی است. تصمیم دادگاه تجدیدنظرخواهی قطعی و نهایی خواهد بود.^۲

۲-۴. تنظیم اعمال نظارت مردمی بر کانون‌های وکلا

طبق ماده ۸ قانون خدمات حقوقی، هیئت خدمات حقوقی «کارگروه مصرف‌کنندگان خدمات حقوقی»^۳ را تشکیل می‌دهد که وظیفه آن حمایت از منافع مصرف‌کنندگان خدمات حقوقی وکلا است. اعضای این کارگروه توسط هیئت و با تأیید مستشار عالی منصوب می‌شوند. این کارگروه مشورت‌های لازم را به هیئت ارائه می‌کند و هیئت می‌تواند بر اساس مشورت‌های ارائه شده، تصمیم لازم را برای حمایت از منافع مصرف‌کنندگان اتخاذ نماید. ناگفته نماند که حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان خدمات حقوقی از گذشته مورد توجه نظام حقوقی انگلستان بوده است (Clementi, 2004: 16).

همچنین، عموم مردم می‌توانند شکایات خود را نزد دفتر آمبودزمان حقوقی مطرح کنند تا در آن‌ها رسیدگی شود. البته دفتر آمبودزمان حقوقی یک مرجع واحد برای رسیدگی به شکایات مطروحه علیه کلیه ارائه‌دهندگان خدمات حقوقی است و محدود به رسیدگی به شکایات مطروحه علیه وکلا نیست.

۳-۴. تنظیم سازوکار نظارت دولتی بر کانون وکلا

هیأت خدمات حقوقی، بر ارکان نظارتی کانون‌های وکلا یعنی «مرجع تنظیم وکلا» نظارت مستقیم دارد. این مرجع باید اطمینان حاصل کند که کانون‌های وکلا اهداف هشت‌گانه مندرج در ماده ۱ یا سایر بخش‌های قانون خدمات حقوقی ۲۰۰۷ را رعایت می‌کنند. در غیر این صورت هیئت می‌تواند

۱. ماده ۴۴ مکرر قانون وکالت ۱۹۷۴

۲. ماده ۴۴ قانون وکالت ۱۹۷۴

تصمیمات ذیل را اتخاذ نماید: طبق مواد ۳۲ تا ۳۴ قانون، می‌تواند از کانون‌های مربوطه بخواهد تا ایراد را برطرف نمایند؛ طبق مواد ۳۵ تا ۳۶، می‌تواند هر یک از مقامات یا را توبیخ نماید و یا به هر یک از اقدامات اعتراض نماید و این توبیخ یا اعتراض را اعلان عمومی کند؛ طبق مواد ۳۷ تا ۴۰، می‌تواند یک جریمه مالی را از کانون‌های وکلا دریافت نماید؛ طبق مواد ۴۱ تا ۴۴، می‌تواند شخصی را منصوب نماید تا ایراد حادث شده در کانون‌ها را برطرف نماید؛ طبق مواد ۴۵ تا ۴۸، می‌تواند به مستشار عالی توصیه نماید که مجوز صادره از کانون مربوطه و حتی مجوز خود کانون را لغو نماید.

علاوه بر این، به‌موجب بخش ششم قانون خدمات حقوقی ۲۰۰۷، به‌منظور رسیدگی به شکایات علیه وکلا، یک «اداره شکایات حقوقی»^۱ تشکیل گردید که زیر نظر هیئت خدمات حقوقی انجام وظیفه می‌کند. رئیس اداره توسط هیئت خدمات حقوقی و با تأیید مستشار عالی منصوب می‌شود و اعضای آن توسط خود هیئت انتخاب می‌شوند. رئیس اداره و اکثریت اعضای آن نباید وکیل باشند. این اداره یک ناظر یا آلودزمان^۲ را منصوب می‌کند که نباید وکیل باشد. وظیفه آلودزمان انجام تحقیقات راجع به شکایات است. تحقیقات آلودزمان در اداره شکایات حقوقی مطرح و اداره تصمیم لازم را در مورد نحوه جبران خسارت اتخاذ خواهد کرد. دادگاه‌ها مکلف هستند بر اساس تصمیم این اداره، اجرائیه صادر نمایند (Clementy, 2004: 56).

۴-۴. نظارت بر برگزاری دوره‌های آموزشی وکلا

مرجع تنظیم وکلا که رکن نظارتی در کانون وکلا محسوب شده و زیر نظر هیئت خدمات حقوقی فعالیت می‌کند، جهت تضمین کیفیت عملکرد وکلا، طرحی را تحت عنوان «شایستگی مستمر»^۳ اجرا می‌کند. طبق این طرح نیازهای آموزشی وکلا در هر سال باید شناسایی و دوره‌های آموزشی مربوطه برای آنان برگزار شود. تمدید پروانه‌های وکالت برای هر وکیل منوط به گذراندن تعداد مشخصی واحدهای آموزشی می‌باشد.

۴-۵. تعیین میزان و نحوه اخذ حق الوکاله‌ها

به‌منظور تعیین تعرفه وکلا کمیته‌ای متشکل از «مستشار عالی دولت»،^۴ رئیس قوه قضائیه، رئیس کانون وکلا، یکی از اعضای هیئت خدمات حقوقی، یک وکیل به انتخاب مستشار عالی دولت تشکیل می‌گردد. این هیئت نحوه محاسبه و دریافت حق الزحمه توسط وکلا را تعیین می‌کند.^۵

1. Office for Legal Complaints (OLC)
2. Ombudsman
3. Continuing Competence
4. Lord Chancellor

وکلا می‌توانند برای حق الزحمه خود، یک توافق خصوصی با موکل امضا کنند و مبلغی خارج از تعرفه دریافت نمایند. این توافق خصوصی باید مکتوب باشد و به امضای طرفین برسد.^۱ هرگونه اعتراض به این توافق خصوصی در محاکم دادگستری قابل طرح است.^۲ علاوه بر این موارد، در ماده ۶۴ قانون وکالت ۱۹۷۴، نحوه صدور صورتحساب بابت خدمات وکیل نیز پیش‌بینی شده است که پرداختن به جزئیات آن خارج از حوصله این تحقیق است (Andrews, 2013: 559-584). دادگاه‌ها نیز می‌توانند به وکلا دستور دهند که صورتحساب جزئی برای موکل صادر کنند.^۳

وکلا تنها در صورتی می‌توانند برای دریافت حق الوکاله خود نسبت به طرح دعوی علیه موکل در دادگاه اقدام کنند که حداقل یک ماه از صدور صورتحساب برای موکل سپری شده باشد. در این دعوی دادگاه اختیار دارد که مبلغ حق الوکاله‌ای که وکیل به‌عنوان خواسته مطرح نموده است را مجدد ارزیابی کند.^۴ همچنین هم موکل و هم اشخاص ذی‌نفع نیز می‌توانند از دادگاه درخواست نمایند که مبلغ حق الوکاله را ارزیابی و بازبینی نمایند.^۵

۴-۶. تعلیق و لغو پروانه وکالت

در مواردی که وکیل محکوم به جرایم مستلزم تقلب یا جرایم جدی شود، کانون وکلا می‌تواند گواهی وکالت شخص را برای مدت حداکثر شش ماه به حالت تعلیق درآورد تا دادگاه انتظامی وکلا نسبت به وضعیت آن شخص تصمیم‌گیری نماید. شخص معترض می‌تواند اعتراض خود را نزد دادگاه عالی مطرح کند و دادگاه عالی می‌تواند تصمیمی که مناسب می‌داند را اتخاذ کند.^۶

تصمیم دادگاه انتظامی یا دادگاه عالی مبنی بر تعلیق گواهی وکیل یا ورشکست شدن وکیل موجب می‌شود که گواهی وکالت وی فوراً به حالت تعلیق درآید.^۷ زمانی که گواهی وکالت یک وکیل به حالت تعلیق در می‌آید، کانون وکلا یک اطلاعیه عمومی را در این زمینه منتشر خواهد کرد و مراتب

۱. در بند ۳.۴ از منشور اصول بنیادین حرفه‌های حقوقی در اروپا و قواعد رفتاری وکلای اروپایی، پیش‌بینی شده است که وکلا باید هزینه‌های پرونده را از ابتدا به طور کامل برای موکلین افشا نمایند. نک: (Goldsmith, 2013)

۲. ماده ۵۷ قانون وکالت ۱۹۷۴

۳. ماده ۶۸ قانون وکالت ۱۹۷۴

۴. ماده ۶۹ قانون وکالت ۱۹۷۴

۵. ماده ۷۱ قانون وکالت ۱۹۷۴

۶. ماده ۱۳ مکرر قانون وکالت ۱۹۷۴

۷. ماده ۱۵ قانون وکالت ۱۹۷۴

را در دفتر فهرست وکلا درج خواهد کرد. در مورد خاتمه تعلیق نیز به همین نحو عمل خواهد شد.^۱

۴-۷. منع وکالت از سوی اشخاص فاقد صلاحیت

هیچ فرد فاقد صلاحیتی امکان وکالت کردن را نخواهد داشت. هر شخصی که این ممنوعیت را زیر پا بگذارد مرتکب جرم شده و به حبس (حداکثر دو سال) و یا جزای نقدی یا هر دو محکوم خواهد شد.^۲ چنین اشخاصی از حیث قانونی نمی‌توانند مطالبات خود را از موکل خود دریافت کنند و ادعای آن‌ها علیه موکل مسموع نیست.^۳ همین مقررات راجع به مؤسسات حقوقی که فاقد وکیل بوده و تظاهر به داشتن مجوز وکالت می‌کنند نیز صادق است. البته مؤسسات حقوقی برای ارائه سایر خدمات حقوقی محدودیتی ندارند.^۴

کانون وکلا می‌تواند راجع به موضوعات نحوه پذیرش به حرفه وکالت، نگهداری دفتر فهرست وکلا و صدور گواهی فعالیت وکالت مقررات وضع کند.^۵

۴-۸. نظارت بر مستخدمین و کارمندان وکیل

در مواردی که وکیل افراد مختلفی را به‌عنوان کارمند یا مستخدم به‌کار گرفته، باید تضمین نماید که این کارمندان و مستخدمین نیز قواعد حرفه‌ای وکالت را رعایت می‌کنند (Elliot, 2018: 212-214). به عبارت دیگر، وکیل بابت رفتار کارمندان و مستخدمین خود نیز مسئولیت حقوقی دارد. بنابراین، متضررین از رفتار کارمندان یا مستخدمین وکیل می‌توانند مراتب را در دادگاه انتظامی کانون وکلا مطرح نمایند.^۶ هیچ‌یک از وکلا حق ندارند اشخاصی را که از حرفه وکالت منع یا معلق شده‌اند، به‌عنوان کارمند یا مستخدم خود به‌کار گیرند.^۷ البته اگر شخص منع یا معلق شده مراتب ممنوعیت یا تعلیق خود را به وکیل کارفرمای خود اطلاع ندهد مجرم محسوب شده و به مجازات مربوطه محکوم می‌شود.^۸

۱. ماده ۱۷ قانون وکالت ۱۹۷۴

۲. ماده ۲۰ قانون وکالت ۱۹۷۴

۳. ماده ۲۵ قانون وکالت ۱۹۷۴

۴. ماده ۲۴ قانون وکالت ۱۹۷۴

۵. ماده ۲۸ قانون وکالت ۱۹۷۴

۶. ماده ۳۴ مکرر قانون وکالت ۱۹۷۴

۷. ماده ۴۱ قانون وکالت ۱۹۷۴

۸. ماده ۴۲ قانون وکالت ۱۹۷۴

۹-۴. تنظیم سازوکار همکاری وکلا و غیروکلا

تا پیش از تصویب قانون خدمات حقوقی ۲۰۰۷، اصناف وکالت همکاری وکلا با غیروکلا را ممنوع کرده بودند. اما بخش پنجم قانون ۲۰۰۷، مکانیزم‌هایی را تحت عنوان «ساختارهای تجاری جایگزین»^۱ طراحی کرده که به موجب آن، وکلا و غیروکلا می‌توانند شراکت‌های کاری و تجاری با یکدیگر داشته باشند (Clementi, 2004: 105-108). این سازوکار دسترسی به خدمات حقوقی در جامعه را افزایش می‌دهد و منطبق با حقوق رقابت است. به طریق اولی، وضع هرگونه محدودیت از سوی کانون‌های وکلا در خصوص همکاری میان اعضای این کانون‌ها با یکدیگر، نامعتبر است و هیئت خدمات حقوقی ضمانت‌اجراهای سنگینی را برای این موضوع اعمال می‌کند.

نتیجه

همان‌طور که اشاره شد، قانون خدمات حقوقی ۲۰۰۷ انگلستان با دو هدف اساسی حمایت از منافع عمومی و حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان، به نظارت دولتی متمرکز بر بازار خدمات حقوقی روی آورده است. این قانون که اصلاح‌کننده قانون وکلای ۱۹۷۴ است، نظارت دولتی بر بازار خدمات حقوقی وکالت را افزایش داده و چند نوآوری را برای نظام حقوقی انگلستان در پی دارد. (۱) یک رکن دولتی بر عملکرد کانون‌های وکلا نظارت می‌کند؛ (۲) اعضای عالی‌ترین رکن نظارتی توسط مقام‌های دولتی انتخاب می‌شوند؛ (۳) ضمانت‌اجرای تخلفات کانون‌ها سنگین است؛ (۴) علاوه بر یک رکن نظارتی عالی، ارکانی جهت تمرکز بر حمایت از حقوق مصرف‌کننده و رسیدگی به شکایات از عملکرد کانون‌ها و وکلا تشکیل شده است؛ (۵) رکن دولتی بر عملکرد دادگاه انتظامی وکلا نظارت می‌کند؛ (۶) کانون‌های وکلا در تنظیم روابط خود با یکدیگر یا در تنظیم روابط خود با سایر حرفه‌های حقوقی آزادی مطلق ندارند و یک رکن دولتی بر آن‌ها نظارت می‌کند؛ (۷) کانون‌های وکلا باید حقوق اعضای خود را رعایت کنند.

تمامی این موارد حاکی از افزایش نقش حاکمیت در نظارت بر حرفه وکالت است. علت هم مشخص است: حرفه‌های حقوقی از جمله وکالت تبدیل به یک بازار گسترده شده و لازم است تا حاکمیت جهت حفظ منافع عمومی و حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان و همچنین حمایت از حقوق خود وکلا، قوانینی را وضع کند و بر اجرای این قوانین نظارت کند.^۲ جدول زیر، مؤلفه‌های

1. Alternative Business Structure

۲. علاوه بر این، موضوع آزادسازی بازار خدمات حقوقی به شکل نظام‌مند و بر اساس ضوابط کارشناسی شده نیز در انگلستان در حال تعقیب است. رقابت آزاد و دسترسی به عدالت دو استدلال مهم است که نویسندگان در راستای آزادسازی خدمات حقوقی در انگلستان مطرح نموده‌اند. نک: (Dunne, 2021, 274-307)

دخالت دولت انگلستان در تنظیم‌گری کانون‌های وکلا را نمایش می‌دهد:

ریز مؤلفه‌ها	مؤلفه‌های اصلی
۱. تعیین ماهیت حقوقی کانون و تبعاً استقلال مالی و سازمانی آن ۲. نظارت دولتی جامع بر کانون وکلا و حرفه وکالت ۳. مقررات‌گذاری در حوزه وکالت ۴. گزارش‌دهی کانون وکلا به نهادهای دولتی ۵. تجدیدنظر از تصمیمات کانون وکلا و نظارت بر مصوبات ارکان و اجزای مدیریتی کانون ۶. الزام به اعمال شفافیت در عملکرد کانون‌های وکلا	مؤلفه‌های مربوط به نهاد وکالت
۱. شرایط وکیل شدن ۲. آموزش و تربیت وکلا ۳. فهرست وکلا	مؤلفه‌های مربوط به نحوه ورود به حرفه وکالت
۱. تشکیل دادگاه‌های انتظامی وکلا و رسیدگی به تخلفات آن‌ها ۲. تنظیم اعمال نظارت مردمی بر کانون‌های وکلا ۳. تنظیم نظارت دولتی بر کانون وکلا ۴. نظارت بر برگزاری دوره‌های آموزشی وکلا ۵. تعیین میزان و نحوه اخذ حق الوکاله‌ها ۶. تعلیق و لغو پروانه وکالت ۷. منع وکالت از سوی اشخاص فاقد صلاحیت ۸. نظارت بر مستخدمین و کارمندان وکیل ۹. تنظیم سازوکار همکاری وکلا و غیروکلا	مؤلفه‌های مربوط به تصدی حرفه وکالت

منابع

- Andrews, Neil H. (2013), **No win No Fee Systems. In Andrews on Civil Processes: Court Proceedings**, Cambridge University Press, pp. 559-584.
- Arden, Mary Howarth, *The Judicial System of England and Wales: A Visitor's Guide*, Judicial Office, UK Judiciary (available at: www.judiciary.uk)
- Bowles, Roger (1994), "The Structure of the Legal Profession in England and Wales", **Oxford Review of Economic Policy**, vol. 10., issue 1.
- Clementi, Sir David (2004), **Review of the Regulatory Framework for Legal Services in England and Wales**, Final Report, available at: http://www.avocatsparis.org/Presence_Internationale/droit_homme/PDF/Rapport_Clementi.pdf
- Cohen, Harry (1990), "The Divided Legal Profession in England and Wales –Can Barristers and Solicitors Ever Be Fused?", **The Journal of the Legal Citation**.
- Department for Constitutional Affairs, *Competition and Regulation in the Legal Services Market – A Report Following the Consultation "In the Public Interest?"*, 2003.
- Domberger, Simon & Sherr, Avrom (1989), "The impact of competition on pricing and quality of legal services", **International Review of Law and Economics**, pp. 41-56
- Dunne, Niamh (2021), "Liberalization and the Legal Profession in England and Wales", **The Cambridge Law Journal**, April, 80 (2), pp. 274-307
- Elliot, Catherine, & Frances, Quinn (2018), **English Legal System**, 18th ed., Pearson.
- Finch, Emily & Fafinsky, Stefan (2017), **English Legal System**, 6th ed., Pearson.
- Goldsmith, Jonathan, *Charter of Core Principles of the European Legal Profession and Code of Conduct for European Lawyers*, 2013 (available at: www.ccbe.eu)
- Gower, L.C.B., & Price, Leolin (1957), "The Profession and Practice of the Law in England and America", **The Modern Law Review**, Vol. 20, No. 4, pp. 817-846
- Harris, Phil (2006), **The Legal Profession. In An Introduction to Law**, Cambridge University Press, pp. 420-444
- McNamara, Michael (2018), **Toward Effective Supervision for the Legal Profession: A Focus on Supervised Practice**, Griffith Law School, available at: <https://research-repository.griffith.edu.au>
- Office of Fair Trading, *Competition in the Professions – A Report by the Director General of Fair Trading*, 2001
- Slapper, Gary & Kelly, David (2017), **The English Legal System**, 18th ed., Routledge.
- Sommerland, Hilary et al. (2010), **Diversity in the Legal Profession in England and Wales: A Qualitative Study of Barriers and Individual Choices**, University of Westminster Law Press.

Laws and Regulations

- Courts and Legal Services Act 1990
- Legal Services Act 2007
- Magistrates Courts Act 1980
- Solicitors Act 1974
- The Administration of Justice Act 1985
- The Insolvency (England and Wales) Rules 2016
- The Tribunals, Courts and Enforcement Act 2007